

مفهوم‌شناسی واژه «فوز» در قرآن کریم

(تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۱)

احمد ربانی خواه،* سمیه محبی فر،** مائده غبائی***

چکیده

قرآن کتاب هدایت بشر تنها برنامه جامعی است که سعادت هر فرد را تضمین می‌کند. نتیجه این هدایت‌پذیری از رهگذر آموزه‌های دینی، دستیابی به رستگاری است. این نوشتار به مفهوم و مصادیق واژه «فوز» که با کمال آدمی در پیوند است و مطلوب نهایی او را ترسیم می‌کند، می‌پردازد و کاربرد این واژه را در قرآن از منظرهای مختلف بررسی می‌کند. از رهگذر این تحقیق، مصادیق و نمونه‌های فوز و راه‌های دستیابی به آن ترسیم می‌شود. در این پژوهش ضمن تحلیل واژگانی «فوز»، مراتب مختلف فوز و راه‌های دستیابی به آن در پرتو آیات قرآن بررسی شده و از بالاترین مرحله فوز، که رضایت و قرب الهی است، سخن به میان آمده است. این تحقیق، با دسته‌بندی و تحلیل محتوایی آیات و بررسی مشتقات ماده فوز و تحلیل محتوایی آیات و روابط آن‌ها با همدیگر و تحلیل کلمات هم‌نشین با این واژه تلاش می‌کند نگاه جامع قرآنی به موضوع فوز را ترسیم، ارزیابی و نتیجه‌گیری کند.

واژگان کلیدی: فوز، فائزون، ایمان، تقوا، عمل صالح.

مقدمه

ایمان ماده اصلی کامیابی است. کامیابی حقیقی در معارف والای الهی معنا می‌یابد و فوز با کمال، مقصود و مطلوب نهایی انسان در ارتباط است. آدمی برای دستیابی به فوز همواره باید آموزه‌هایی را در زندگی خویش به کار بندد تا سعادت‌مند شود. این مقاله به دنبال ارائه تصویر روشن و واضحی از موضوع فوز با استناد به آیات قرآن کریم به مخاطبان است؛ چرا که یکی از اهداف بزرگ دین اسلام و قرآن کریم دستیابی انسان به سعادت است و یکی از مصادیق بزرگ سعادت فوز است. در پرتو بررسی

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، ahmad.khah@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری.

*** دانشجوی کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری.

مشتقات ماده فوز و تحلیل محتوایی آیات و روابط آنها با همدیگر در سایه مراجعه به منابع تفسیری متقن و تحلیل کلمات هم‌نشین با این واژه و توجه به تفاوت در اوصاف آن می‌توان به تصویری روشن در این مقوله دست یافت. از رهگذر این تصویر هدایت‌پذیری و رستگاری قرآن حاصل می‌آید.

در موضوع فوز و تحلیل آن، مقالاتی نگاشته شده است که در هر کدام بر اساس پیش فرضی خاص مطالبی بیان شده و نتایج حاصل آمده است. برای نمونه در مقاله «راه‌هایی؛ پژوهشی درباره مفهوم رستگاری و عوامل آن در قرآن و روایات» (زینلی، ۱۳۸۸) تنها معانی رستگاری بیان شده و تنها به دو عامل ایمان و عمل صالح در رسیدن به رستگاری اشاره شده است. حال آنکه عوامل دستیابی به فوز و رستگاری در آیات قرآن کریم بیش از این موارد است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی معناشناسانه فوز و فلاح در قرآن کریم» (لسانی فشارکی و زرنگار، ۱۳۸۹) با نگاهی اخلاقی به موضوع فوز و فلاح پرداخته است که در آن نوشتار میان موضوع پژوهش و هدف آن تناسب منطقی دیده نمی‌شود.

پژوهش حاضر، برای دستیابی به تمامی ابعاد فوز در قرآن به بررسی همه‌جانبه این واژه در لغت، آیات و تفاسیر همراه با ارائه تحلیلی متفاوت و جدید پرداخته است. تفاوت عمده کار حاضر با دو تحقیق پیش‌گفته تمرکز بیشتر و واکاوی حوزه‌های دیگری از موضوع فوز در قرآن است. از آنجا که از سویی در تحقیقات پیشین فوز با فلاح مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است و هم‌نشینی (فوز و فلاح) بطن جدیدی را روشن نمی‌سازد، بلکه فلاح مقدمه نیل به فوز است و از سوی دیگر، به «فلاح» در مقالات (پارچه‌باف دولتی، ۱۳۹۴) نگاهی مستقل شده است؛ از این رو بازشناسی و ارائه تصویری دقیق از فوز در آموزه‌ای قرآنی امری ضروری بود و این نوشتار در صدد رفع این نیاز است. این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که واژه فوز در آیات قرآن چگونه تبیین شده است؟ از شبکه ارتباطی آیات قرآن و پیوند آیات مختلف در موضوع فوز چه تصویری به دست می‌آید؟ و راه‌های دستیابی به فوز کدام است و جلوه‌های فوز در آیات قرآن در چه مواردی تجلی یافته است؟

در پاسخ به پرسش‌های پیشین چند فرضیه می‌توان مطرح کرد:

۱. فوز در آیات قرآن به صورت جامع و دقیق با ترسیم واضح راه‌های دستیابی و مراتب گوناگون مصداقی تبیین شده است. از رهگذر بررسی پیوند میان آیات قرآن، تصویر

واضح فوز را می‌توان در دستیابی به مطلوب با شرایطی دانست. در نگاه قرآن کریم دستیابی به فوز از مسیر ایمان، اطاعت و مواردی دیگر تحقق می‌یابد و فوز در خشنودی خدا، طاعت خدا و رسول و ورود به بهشت متجلی می‌گردد.

بحث و بررسی

۱- فوز در لغت

بیشینه واژه‌شناسان، «فوز» را نجات و رستگاری معنا کرده‌اند که رسیدن به خیر و سلامتی را برای فائز به ارمغان می‌آورد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۷) این کامیابی در پیروزی به خیر و نجات از شرّ نیز معنا می‌یابد. (فراهیدی، بی‌تا: ۷، ۳۸۹) زبیدی در تحلیل این واژه با عبارت «النجاه من الشر و الظفر بالخير و الامنيه» امنیت را نیز بر معانی فوز افزوده است. (زبیدی، بی‌تا: ۸، ۱۲۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴، ۳۰)

برخی فرهنگ‌نویسان، عبارت «مظله بعمودین» به معنای «خیمه‌ای دارای دو ستون» را در توضیح واژه «الفازه» آورده‌اند. (فیروز آبادی، بی‌تا: ۲، ۲۹۸) آن گونه که وجود دو ستون در خیمه نشان از استحکام و امنیت خیمه دارد؛ ایمان و عمل صالح (جائیه/۳۰) نیز عوامل دست‌یابی به فوز (= امنیت) است. این منظور درباره واژه فوز می‌گوید:

«الفوز: النجاه و الظفر بالامنيه الخير، فاز به فوزا و مفازة. الفوز الظفر بالخیر و النجاة من الشر یقال: فاز بالخیر و فاز من العذاب و أفازه الله بكذا ففاز به أى ذهب به». (ابن منظور، بی‌تا: ۵، ۳۹۲) این واژه در دو معنای متضاد به کار رفته است؛ معنای نخست بر نجات و معنای دوم بر هلاکت و موت دلالت می‌کند. (زبیدی، بی‌تا: ۸، ۱۲۴؛ جوهری، ۱۴۰۴: ۳، ۸۹۰؛ ابن فارس، بی‌تا: ۴، ۴۵۹) راغب، فوز در موت را رستگاری و نجات از بند دنیا می‌داند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۷) از این رو، به فردی که بمیرد، «فوز» می‌گویند؛ زیرا آدمی در رستگاری است که بین دنیا و آخرت کشیده شده است. (ازهری، بی‌تا: ۱۳: ۱۸۰)

به نظر می‌رسد راغب اصفهانی از این جهت ماده فوز را برای مردن در نظر گرفته است که تا مرگی نباشد، نتایج اعمال صالح دیده نمی‌شود؛ به دیگر سخن، مرگ از سویی معبری برای رسیدن به جهان آخرت و دیدن نتایج مثبت امور صالح و از سوی دیگر راه‌هایی از دنیای فریبده است؛ آن گونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «الدنيا سیجنُ المؤمن و جنة الكافر» (مجلسی، بی‌تا: ۶، ۱۵۴) از این رو، مؤمن با مرگ از دنیای

فریبنده گذرا که در مواردی مانع پیشرفت معنوی او بوده، نجات می‌یابد.

۲- فوز در اصطلاح

غایت هر انسان، دستیابی به کمال و سعادت است که آدمی بر اساس عقاید و باورهایش آن را ترسیم می‌کند. مفهوم اصلی فوز را باید در پرتو ایمان راستین نگریست. بیشینه آیات قرآن در موضوع فوز آینه تمام‌نمایی از نتایج مثبت اعمال صالح بندگان مؤمن است. واژه فوز در هندسه آیات قرآن بازتاب درجات مختلف مؤمنان است. این مراتب از ورود و خلود در بهشت آغاز می‌شود و به رضایت و رضوان الهی که حد اعلای رستگاری است، منتهی می‌شود؛ به دیگر سخن، اصطلاح قرآنی «فوز» بیانگر آینده اعمال مؤمنان در جهان آخرت است و به میزان اعمال نیکوی خداپاوران ترقی و تنزل می‌یابد. (نبا/۳۱-۲۶) برای روشن‌تر شدن مفهوم فوز به تبیین معانی واژه‌های مترادف و همسو و بیان تفاوت میان این واژگان می‌پردازیم تا فهمی دقیق‌تر و عمیق‌تر از آن به دست آید. «نجات»، «ظفر» و «فلاح» برابرنهاده‌های واژه «فوز» در قرآن کریم‌اند.

۱-۲- نجات

با اینکه در نگاه واژه‌شناسان، فوز، نجات و ظفر در یک گستره معنایی جای دارند، ابوهلال عسکری میان این واژگان تفاوت قائل شده است. به باور او، نجات به مفهوم رهایی از کار ناپسند است، اما فوز افزون بر رهایی از کار ناپسند، دستیابی به امر پسندیده را می‌رساند. (عسکری، ۱۳۶۳: ۲۰۵) او در تحلیل واژگانی خویش می‌نویسد: «لهذا سمى الله تعالى المؤمنين فائزين لنجاتهم من النار و نيلهم الجنة و لما كان الفوز يقضى نيل المحبوب قيل الفاز بطلبته و قال تعالى: ﴿يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ (نساء/۷۳)، ای اَنَالَ الخیر نیلا کثیرا؛ از این رو، خداوند مؤمنان را فائزان نامیده است؛ زیرا آنان از جهنم نجات و به بهشت دست پیدا می‌کنند. از آنجا که مقتضای فوز، رسیدن به محبوب است عبارت: «رسیدن به مقصود خویش» گفته شده است. (عسکری، ۱۳۶۳: ۲۰۵)

۲-۲- ظفر

«ظفر» از دیگر برابرنهاده‌های قرآنی «فوز» در مفهوم برتری یافتن بر دشمن ستیزه‌گر به کار می‌رود. (فتح/۲۴) گاهی این واژه به جای فوز استفاده می‌شود؛ مانند: «ظفر بیغیه»؛ یعنی به خواسته‌اش رسید. با این همه، فوز به جای ظفر به کار نمی‌رود؛ از این

رو عبارت «فاز بعدوه» نادرست و جمله «ظفر بعدوه» درست است. (عسکری، ۱۳۶۳: ۲۰۵) دلیل این امر را می‌توان در مفهوم سلامتی و امنیت موجود در فوز دید. راه رسیدن به فوز و ظفر و موانع دستیابی به آن با یکدیگر متفاوت است. از این رو در پاره‌ای موارد و در برخی ساختارها نمی‌توان آن دو را به جای یکدیگر به کار برد. ظفر در جایی معنا می‌یابد که آدمی خواستار برداشتن موانع و بر طرف کردن مشکل است، اما فوز مسیری است که فائز باید طی کند تا به نتیجه رسد. ظفر لزوماً با برداشتن مانع محقق می‌شود و انسان در دستیابی به نتیجه سختی‌ها و مشکلاتی را پشت سر می‌گذارد، حال آنکه طی طریق فوز این‌گونه نیست. در فوز منازعات فیزیکی وجود ندارد، حال آن که در ظفر موانع فیزیکی از قبیل گرفتاری، مشقت، تحمل جراحات، سختی‌هایی مانند قدرت و پافشاری دشمن وجود دارد. موانع موجود در فوز موانعی محسوس نیست. بارزترین این موانع، شیطان، هوای نفس، تعلقات دنیوی، شهرت و شهوت است.

۳-۲. فلاح

ماده «فلح» به معنای شکاف و گشایش است: «فلح الشيء یفلحه فلحاً: شقّه». (ابن‌منظور، بی‌تا: ۲: ۵۸۴) به کشاورز «فلاح» می‌گویند؛ زیرا برای کشت و زرع زمین را می‌شکافد. بر همین پایه، این ماده درباره هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصود و خوشبختی به کار رفته است؛ چه در امور دنیوی و چه در امور اخروی. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۴) افراد پیروز و رستگار، با برداشتن موانع از سر راه، مسیر خود را به سوی مقصد می‌شکافند و پیش می‌روند. بنابراین، لازمه «فلح» رهایی از شر و دستیابی به خیر و صلاح است و با این دو شرط از «نجات» و «ظفر» متمایز می‌شود. (فتح‌الهی و ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۰۹ و ۱۱۰) نتیجه آنکه فلاح را می‌توان مقدمه دستیابی به فوز دانست؛ زیرا پیروزی، پس از شکافتن موانع و پیشروی به جلو تحقق می‌یابد و در فوز با عنایت الهی، استعدادهای والا به فعلیت می‌رسد.

۴-۲. هلاک

اکنون پس از درنگی در مفهوم واژه‌های جانشین فوز، بی‌مناسبت نیست که به واژه «هلاک» - که متضاد «فوز» است - (ابن‌دریبه، بی‌تا: ۲: ۲۲۸) نگاهی بیفکنیم تا سطحی دیگر از معنای این واژه روشن شود. هلاک به معنای نابود شدن و به مهلکه افتادن است. از وجوه معنایی هلاک می‌توان به مرگ و مردن (نساء/۱۷۶) و باطل شدن چیزی از جهان و نبودن مستقیم آن (فنا) اشاره کرد. (قصص ۸۸) بر پایه آیات

قرآن کریم (اعراف/۱۵۵-۱۷۳؛ احقاف/۳۵) مردن، هلاک بزرگی است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۴۴) به نظر می‌رسد هلاک در مورد فردی به کار می‌رود که پس از مرگش از کارها و اعمالش نتایجی به دست نمی‌آورد. این مفهوم را می‌توان در آیه ۳۴ غافر درباره حضرت یوسف (علیه السلام) مشاهده کرد؛ زیرا ایشان از فرزندان خود جانشینی نداشته است.

بر پایه سنجش ویژگی‌های فوز و هلاک می‌توان گفت که فوز و هلاک دو راه متفاوت با نتایج گوناگون هستند که سطح اهداف پویندگان این دو راه با هم تفاوت دارد. هلاکت مسیری است که پویندگان آن بی‌هدف و با سستی و ضعف طی طریق می‌کنند و در نهایت به چیزی جز فنا و دوزخ نمی‌رسند. در برابر، فوز راهی آشکار و روشن است که جوینده به فراز و فرود آن آگاه است و برای رسیدن به هدف (جاودانگی) با ثبات قدم و در مسیر مستقیم گام برمی‌دارد.

هیچ‌یک از منابع علوم قرآنی و وجوه و نظائر، به وجوه مختلف برای واژه فوز و مشتقات آن اشاره نکرده است. (برای نمونه ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱: نوع ۳۹)

۳- کاربردهای واژه فوز در قرآن کریم

واژه فوز با مشتقات آن، ۲۹ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است که در ۲۱ سوره و ۲۷ آیه می‌توان آن را دید.^۱ مصدر ثلاثی مجرد این ریشه ۱۶ بار به صورت معرفه^۲ و ۳ بار به صورت نکره آمده است. (نساء/۷۳؛ احزاب/۷؛ فتح/۵) اسم فاعل ثلاثی مجرد این ریشه، «فائزان» ۴ مورد (مؤمنون/۱۱۱؛ توبه/۲۰؛ نور/۵۲؛ حشر/۲۰)، فعل ماضی «فاز» ۲ بار (آل عمران/۱۸۵؛ احزاب/۷۱)، فعل مضارع منصوب «أفوز» ۱ بار (نساء/۷۳)، «مفازة» ۲ مرتبه (آل عمران/۱۸۸؛ زمر/۶۱) و «مفازاً» ۱ مرتبه در قرآن به کار رفته است. (نبأ/۳۱)

واژه فوز با اوصافی مانند «مبین» (انعام/۱۶؛ جائیه/۳۰)، «عظیم»^۳ و «کبیر» (بروج/۱۱)

۱. آل عمران/۱۸۸ و نساء/۱۳ و ۷۳؛ مائده/۱۱۹؛ انعام/۱۶؛ توبه/۲۰، ۷۲، ۸۹، ۱۰۰ و ۱۱۱؛ یونس/۶۴؛ مؤمنون/۱۱۱؛ نور/۲۵؛ احزاب/۷۱؛ صافات/۶۰؛ غافر/۹؛ دخان/۵۷؛ جائیه/۳۰؛ حدید/۱۲؛ تغابن/۹؛ بروج/۱۱؛ صف/۱۲؛ فتح/۵؛ زمر/۶۱؛ نبأ/۳۱؛ حشر/۲۰.

۲. نساء/۱۳؛ مائده/۱۱۹؛ انعام/۱۶؛ توبه/۷۲، ۸۹، ۱۰۰ و ۱۱۱؛ یونس/۶۴؛ صافات/۶۰؛ غافر/۹؛ دخان/۵۷؛ جائیه/۳۰؛ حدید/۱۲؛ تغابن/۹؛ بروج/۱۱؛ صف/۱۲.

۳. نساء/۱۳ و ۷۳؛ مائده/۱۱۹؛ توبه/۷۲، ۸۹، ۱۰۰ و ۱۱۱؛ یونس/۶۴؛ احزاب/۷۱؛ صافات/۶۰؛ غافر/۹؛ دخان/۵۷؛ فتح/۵؛ حدید/۱۲؛ صف/۱۲؛ تغابن/۹.

به کار رفته است. صفت مبین به معنای آشکار و آشکار کننده است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۱، ۲۵۹) صفت مشبیه کبیر و عظیم بر وجود و ثبوت صفتی در موصوف خود دلالت می‌کند. عظیم بالاتر از کبیر است و بر مرتبه رفیع دلالت می‌کند، اما کبیر بر مطلق رفعت است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۰، ۱۷؛ ۸، ۱۷۶)

۳-۱- عوامل و اسباب رستگاری انسان از نگاه قرآن
دستیابی به فوز در مقام تحقق نیازمند زمینه‌ها و عمل بدان‌ها است. در نگاه آیات قرآن کریم عوامل و زمینه‌های فراوانی انسان را به رستگاری می‌رساند که توجه یا بی‌توجهی آدمی به این زمینه‌ها و استفاده کردن و یا در نظر نگرفتن آنها می‌تواند آدمی را به مقصد نزدیک یا از آن دور سازد.

۳-۱-۱- تقوا

تقوا به مفهوم کرامت و برتری انسان در پیشگاه خداوند است (حجرات/۱۳) که لازمه رستگاری آدمی است. (زمر/۶۱؛ نبا/۳۱) فوز، رستگاری حقیقی است که ضمن تعالی انسان، جاودانگی در جوار رحمت پروردگار را برای او به ارمغان می‌آورد

۳-۱-۲- گفتار سنجیده و محکم

عامل دیگر حصول به فوز سخن حق، درست، راست و محکم است که قرآن از آن به «قول سدید» یاد می‌کند. (احزاب/۷۰) سدید از ماده «سده» بر محکم و استواری، خلل‌ناپذیری و موافقت با حق، خالی بودن از کذب و لغو و هماهنگی ظاهر و باطن دلالت دارد. از این رو پایبندی پایدار به این زمینه، رستگاری انسان را تضمین می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷، ۴۴۱)

۳-۱-۳- ایمان به خداوند و پیامبر و جهاد در راه خداوند

این عامل نیز موجبات فوز و رستگاری را فراهم می‌سازد. به باور قرآن رهایی از «عذاب الیم» که در برابر فوز قرار می‌گیرد و خواسته هر انسانی است، بر محور ایمان به خداوند و رسول می‌چرخد. این باور باید از قلب نشات بگیرد و مؤمن را به حقانیت خداوند، رسول و پایبندی به اوامر او و جهاد در راه خداوند سوق دهد. چنین انسانی با حداکثر تلاش و اشتیاق در راه خداوند و برای رضایت او با جان و مال جهاد می‌کند و موجبات دستیابی به فوز را برای خویش فراهم می‌سازد. (صف/۱۰ و ۱۱)

۳-۱-۴- رعایت حدود الهی

یکی از عوامل مهم رستگاری و کامیابی انسان در دنیا و آخرت رعایت حدود الهی است. (نساء/۱۳) از آن جایی که حدود و قوانین ثمربخش از جانب خداوند وضع شده‌اند، حفظ این حدود زمینه‌ای برای تحقق فوز است.

۳-۱-۵- همراهی ایمان و عمل صالح

بر اساس آیات قرآن، رستگار حقیقی کسی است که از دو ویژگی ایمان و عمل صالح برخوردار باشد. بر این مبنا، ایمان و عمل صالح زمانی که ملازم همدیگر باشند، سبب علو درجه می‌شود و انسان را به مقام بالایی رستگاری می‌رساند. (جاثیه/۳۰؛ بروج/۱۱؛ تغابن/۹)

۳-۱-۶- راستگویی و راست‌کرداری

شاخصه دیگر رسیدن به رستگاری، صدق و راستی در گفتار و کردار است. (مائده/۱۱۹) صدقی که هم در دنیا و هم در آخرت پایدار است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱، ۶۰۷) این بیان قرآن نشان‌دهنده ارزش راستگویی است که همه اعمال انسان را در بر می‌گیرد. صدق تعبیر آشکاری از تطابق ظاهر و باطن و بیانگر ارتباط با حقیقت است؛ از این رو راستگویان الگویی تمام عیار برای مردم‌اند. چنین افرادی با پذیرش رنج و سختی دنیا در سابه تعهد به راستگویی، رستگاری اخروی را برای خود رقم می‌زنند و خداوند در آخرت به آنها محبت ویژه‌ای دارد. صدق، در محاسبه اعمال جایگاهی خاص دارد و هر عملی وامدار آن است. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۸، ۴۰۸)

۳-۱-۷- صبر

به معنای خویش‌تن‌داری در سختی و تنگی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۴) و با توجه به آیه ۱۱۱ سوره مؤمنون، آدمی با صبر پیشگی زمینه‌ای برای رسیدن به فوز فراهم می‌سازد و می‌تواند در زمره فائزان قرار گیرد.

۳-۱-۸- انفاق

عامل دیگری که در دستیابی به فوز مهم است، انفاق در راه خداوند است. (حدید/۷) مؤمنی که انفاق می‌کند و می‌بخشد، افزون بر یاری دیگران به اجر و پاداش بزرگی در آخرت دست می‌یابد. این نکته را می‌توان از تامل در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حدید استنباط کرد که خداوند انفاق را بسان قرض‌الحسنه‌ای می‌داند که پاداشی چند برابر دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۳، ۳۲۱)

۳-۲. مصادیق رستگاری از منظر قرآن

فوز در مقام عمل مراتب مختلفی دارد که بیان مصادیق آن تصویری روشن از این موضوع به دست می‌دهد. بر پایه آیات قرآن، وارد شدن به بهشت و خلود در آن (نساء/۱۳؛ توبه/۸۹؛ بروج/۱۱؛ دخان/۵۷؛ حدید/۱۲) و مسکن طیب در بهشت عدن و بخشش گناهان (صف/۱۲؛ تغابن/۹؛ فتح/۵) و رهایی از عذاب (صافات/۵۹) از مصادیق فوز به شمار می‌آید. خداوند متعال برترین و والاترین مصداق فوز را رضایت و خشنودی خویش از بندگان و رضایت بندگان از خداوند معرفی کرده است. (مائده/۱۱۹؛ توبه/۷۲ و ۱۰۰) همچنین مصداق بارز فوز در آیات قرآن افاضه رحمت الهی نسبت به بندگان است. (انعام/۱۶؛ غافر/۹؛ جاثیه/۳۰) مصداق دیگر فوز، بشارت خداوند به مؤمنان و پرواداران در دنیا و آخرت است و این بشارت در بردارنده اطمینان خاطر از تحقق وعده‌های الهی است. از آنجا که افعال الهی تکویناً و تشریعاً موافق با حکمت و مصلحت است، وعده‌های خداوند تغییرناپذیر است. (یونس/۶۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰، ۹۳) با توجه به آنچه در عوامل و اسباب رستگاری گذشت، در آموزه‌های قرآنی، اطاعت خداوند و رسول گرامی اسلام تنها عاملی است که هم مصداق فوز و هم زمینه رسیدن به فوز عظیم است. (نساء/۱۳؛ احزاب/۷۱) بدین معنا کسانی که خداوند و پیامبر را اطاعت کنند و حدود الهی را محترم شمارند، در بهشت جاودان خواهند بود. نقطه مقابل این گروه کسانی‌اند که مطیع امر خدا و رسولش نیستند و از مرزهای الهی عدول می‌کنند و زمینه هلاکت و عذاب جاویدان خود را فراهم می‌آورند. البته خلود و عذاب جاویدان تنها رهین معصیت و گناهان کبیره نیست، بلکه مادامی که انسان از روی سرکشی، طغیان و انکار آیات الهی، حکم خداوند را زیر پا گذارد، عذاب و خلود در آن را برای خود فراهم می‌آورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳، ۳۰۱) موبد این مطلب را می‌توان جمع بودن «حدود» در این آیه (نساء/۱۳) دانست که تمامی قوانین الهی را شامل می‌شود. رستگاری حقیقی فوزی است که سرنوشت نهایی و آخرت انسان را رقم می‌زند؛ آخرتی که آدمی خود را در بهشت و رضایت پروردگار می‌یابد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۷، ۱۲۹)

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) نیز به این موضوع توجه داده شده است. امام علی (علیه السلام) در اهمیت اطاعت خداوند می‌فرماید: «أَحْتَكُم عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ فَأَنْهَا كَهْفِ الْعَابِدِينَ وَ فَوْزِ الْفَائِزِينَ وَ أَمَانَ الْمُتَّقِينَ»؛ «شما را بر اطاعت خداوند تحریر می‌کنم

چون اطاعت الهی پناهگاه عابدان و فوز فائزان و امان متقین است.» (مجلسی، بی تا: ۷۴، ۳۷۴)

۳-۴. فائزان و نمونه های عینی آن در قرآن

فائز اسم فاعل از ریشه فوز به معنای کامیاب، رستگار، پیروز و فاتح است. در نگاه قرآن فائزان کسانی هستند که با داشتن ایمان و تقوی و اطاعت از خداوند و رسول الله و غلبه بر نفس اماره خویش، راه را برای رسیدن به مطلوب نهایی هموار کرده و رستگار شده‌اند: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ (نور/۵۲) به موهبتی که شخص فائز بدان دست می‌یابد، فوز گفته می‌شود. انسان برای دستیابی به سعادت باید مطیع امر خداوند و رسول باشد و مؤمن حقیقی چنین اطاعتی دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵، ۱۴۸) در نگاه مفسران، فائزان از گناه گذشته می‌ترسند و نسبت به آینده تقوی دارند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷، ۲۳۷) چنین شخصی با تحقق سه شرط به فیوضات الهی دست می‌یابد: (طیب، ۱۳۶۹: ۹، ۵۵۲)

۱- اطاعت از خدا و رسول او و اولی الامر (نساء/۵۹)

۲- خشیت: منظور از خشیت ترس همراه با معرفت و پایبندی به اوامر و نواهی الهی است. (نور/۵۲؛ سعدی، ۱۴۰۸: ۱، ۶۷۷) خشیت، بیم همراه با تعظیم و بزرگداشت را گویند و این حالت بیشتر از راه علم و آگاهی نسبت به امور حاصل می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱، ۶۰۷)

۳- تقوا: واژه تقوا از ریشه (وقی) به معنای حفظ نفس از گناه و خودداری از معصیت و مأمور کردن خود به انجام اوامر و ترک نواهی است. (سعدی، ۱۴۰۸: ۱، ۶۷۷)

آینه دیگر فائزان، صابران هستند. ﴿إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ (مؤمنون/۱۱۱) به باور صاحب المیزان صبر، ذکر خداوند است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵،

۷۱) و طبرسی منظور از آن را صبر بر آزار و استهزاء و تمسخر دانسته است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷، ۱۹۲) بر این اساس می‌توان گفت افرادی که همواره به یاد خدا هستند و

بر این کار مداومت می‌کنند، ممکن است از سوی عده‌ای به دلیل تداوم در این کار مورد تمسخر قرار گیرند. این گروه در صورتی که بر یاد خداوند مداومت ورزند و بر

تمسخر دیگران صبر داشته باشند، در زمره رستگاران قرار می‌گیرند. لازمه رسیدن به هر مقصود و هدفی، صبر همراه با تلاش است و خداوند در قرآن به صابران، رسیدن

به هدف والا و اجر و پاداش بی حساب را بشارت می‌دهد. (زمر/۱۰)

به باور قرآن، مؤمنان و کسانی که از بلاد کفر به سرزمین اسلام هجرت کرده‌اند و در راه خدا با جان و مال خویش جهاد کرده‌اند، منزلت رفیع‌تری نزد خداوند دارند و در زمره فائزانند.^۱ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵، ۲۴)

همچنین فضیلت پیشروان نخستین از مهاجران و انصار و تابعین در گرو پایداری در ایمان و انجام عمل صالح است تا در زمره فائزان قرار گیرند.^۲

مهاجرین و انصار و گروه نخست تابعین به واسطه ایمان و عمل صالح و ثبات قدم در مسیر اسلام، فضیلت کسب کرده‌اند و جزء فائزان هستند. علاوه بر موارد یادشده، کسانی که از آتش دوزخ در امان باشند و به بهشت نائل شوند، در زمره فائزان قرار می‌گیرند.^۳ در پایان خداوند اصحاب بهشت را در زمره فائزان قرار می‌دهد.^۴ مراد از اصحاب بهشت افرادی هستند که به یاد خداوند و مراقب رفتار خویش بوده‌اند و در برابر آنان دوزخیان قرار دارند که خداوند را از یاد برده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹، ۲۲۰) دوزخیان با اصحاب بهشت تضاد دارند؛ مانند تضاد باطل و حق، جهنمیان، کافر، مشرک، منافق، ضال، فاسق و فاجرند و بهشتیان، مؤمن، صالح، متقی و مطیع‌اند. (سعدی، ۱۴۰۸: ۱۲، ۴۰۸) بهشتیان به وسیله پاداش خداوند جزء رستگاران و به مطلوب رسیدگان هستند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹، ۳۹۸)

اکنون که مصادیق فائزان بررسی شد، مناسب است به یکی دیگر از مشتقات واژه فوز یعنی مفازة پرداخته شود.

۴- مفازة

واژه مفازة که از مشتقات فوز است، در آیاتی از قرآن کریم به کار رفته است.^۵ برای نمونه خداوند در آیه ۳۱ سوره نبا می‌فرماید: ﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا﴾ لغت‌شناسان و مفسران دو تلقی متفاوت از واژه مفازة دارند. برخی واژه مفازة را مصدر میمی و

۱. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾؛ (توبه/۲۰)

۲. ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ (توبه/۱۰۰)

۳. ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾؛ (آل عمران/۱۸۵)

۴. ﴿لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾؛ (حشر/۲۰)

۵. ﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسِبْنَهُمْ بِمَفَازٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾؛ (آل عمران/۱۸۸)

برخی دیگر اسم مکان از «فوز» دانسته‌اند. اگر مفازه را مصدر میمی بدانیم، به معنای رستگاری و رسیدن به هدف است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷، ۲۸۴) و از باب تفاعل به خیر به مفهوم نجات به کار می‌رود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰، ۶۴۶) اگر آن را اسم مکان در نظر بگیریم، به معنای محل نجات از آتش و رفتن به سوی بهشت است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰، ۶۴۶) در نگاه راغب «مفازه» بیابانی است که انسان با گذر از آن به فوز می‌رسد و در برابر آن «قفر» به بیابانی گویند که عبور سخت و مشقت‌بار از آن گاه سبب هلاکت می‌شود. هر یک از نام‌های «مفازه» و «قفر» به مقتضای ویژگی‌هایی که دارد و عوارضی که بر انسان پدید می‌آورد، متفاوت است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۳، ۱۰۲) به باور قرشی «مفاز» مصدر میمی و اسم مکان است. برای نمونه در قرآن کریم، که در توصیف پروا پیشگان می‌فرماید: ﴿أَنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا حُدَّاقًا وَعُنَابًا﴾ (نبا/۳۱ و ۳۲)، با توجه به قرینه آیه ﴿أَنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾ (نبا/۲۱) که معادل آیه است و «حُدَّاقًا» بیان آن است، «مفازه» به مفهوم اسم مکان بهتر به نظر می‌رسد. (قرشی، ۱۳۷۱: ۵، ۲۱۱) «مفازه» به معنی منجیات و اسباب نجات و پناهگاه نیز به کار می‌رود؛ در این صورت مفازه جایگاهی است که از حیوانات و درندگان و دشمن محفوظ است. (طیب، ۱۳۶۹: ۱۱، ۳۳۶) حرف «باء» در آیه ﴿فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ﴾ (آل عمران/۱۸۸) و آیه ﴿وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ﴾ (زمر/۶۱) بآ ملابست یا سببیت است؛ به این مفهوم که فوزی که خدا آن را حکم کرده است، سبب نجات متقین می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷، ۲۸۴) از این رو، مفازه متقین اعمال صالح آنهاست که سبب نجاتشان می‌شود. (طیب، ۱۳۶۹: ۱۱، ۳۳۶) حرف تاء در این کلمه زائد و بیانگر مبالغه است (سعدی، ۱۴۰۸: ۱، ۱۶۶) و این مبالغه نشان‌دهنده اهمیت فوز است.

با بررسی واژه فوز در آیات قرآن کریم و تحلیل پیوند میان آیات همگون در این موضوع مفاهیمی تازه به دست می‌آید. از رهگذر چنین نگاهی می‌توان واژگان و اوصاف هم‌نشین با فوز را دقیق‌تر بررسی کرد و مصادیق عینی فوز را از یکدیگر باز شناخت و به روابط مفهومی میان آنها واقف شد.

۵- بازشناخت مصادیق فوز

۱-۵- رحمت

یکی از مصادیق فوز، رحمت است. خداوند می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ فَيَدْخُلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿جائیه/۳۰﴾ همچنین در آیه‌های دیگر بر این موضوع تاکید می‌کند: ﴿مَنْ يُصِرْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ﴾ (انعام/۱۶)

منظور از رحمت همان افاضه الهی است که هر کس بدان نایل شود، سعادت‌مند می‌شود و از عذاب خداوند در امان می‌ماند و هیچ نعمتی از او دریغ نخواهد شد. فوز مبین بیانگر رحمت الهی و رستگاری آشکار است. نمونه‌های این مصداق در دنیا و آخرت در بخشش گناهان، دفع بلاها، بر طرف شدن سختی‌ها و دردها، برآورده شدن حاجات، توفیق عبادت، حفظ از خطرات، حسابرسی آسان، سنگینی میزان و اعمال، عبور از پل صراط و داخل شدن در بهشت نمود می‌یابد. (طیب، ۱۳۶۹: ۱۲، ۱۲۷) مشابه این تعبیر در آیه ۱۶ سوره مبارک انعام نیز آمده است. رحمت الهی تا زمانی مشمول بندگان می‌شود که بنده برای دریافت آن مانعی ایجاد نکند. به دیگر سخن، استعداد برای درک هر نعمتی با از بین بردن مانع آن حاصل می‌شود. اصلی‌ترین موانع درک نعمت، بدی‌ها و گناهان آدمی است و توبه زمینه‌ای را برای دریافت رحمت الهی فراهم می‌آورد.^۱ (طوسی، بی‌تا: ۹، ۵۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷، ۳۱۱؛ سعدی، ۱۴۰۸: ۱، ۸۸۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸، ۸۰۳)

افزون بر آن، آدمی با دارا بودن ویژگی‌های عقلانیت و اختیار و مکلف بودن به بعضی امور تنها با عنایت الهی می‌تواند به فضل خداوند دست یابد. ناگفته خود پیداست که فضل الهی بر پایه عبادت و از جانب رحمت الهی است و آدمی با ابزار ایمان و اطاعت از خداوند قابلیت تفضل الهی را می‌یابد.^۲ (طیب، ۱۳۶۹: ۱۲، ۱۰۲) از این رو خداوند بهشت را به بندگان صالح خود وعده داده است و خداوند هیچ‌گاه خلف وعده نمی‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸، ۱۵۱)

۲-۵_ بهشت

مصداق دیگر فوز، بهشت است که غایت مؤمنان و فائزان است. بهشت از آن جهت که آخرین سعادت است که آدمی بدان نایل می‌گردد، فوز دانسته شده است. (دخان/۵۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸، ۱۵۱) خداوند گاهی بنا بر اهمیت موضوع، کلام خود را با بعضی از ادوات تأکید مؤکد می‌سازد تا از این رو مخاطب به مهم بودن آن سخن آگاهی یابد.

۱. ﴿وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ (غافر/۹)

۲. ﴿فَضْلاً مِنْ رَبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ (دخان/۵۷)

برای نمونه خداوند در آیه ۶۰ سوره صافات ﴿انَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ سخن خود را با «إِنَّ» و «لَا» مؤکد ساخته و فوز را با صفت عظیم به کار برده است تا مخاطب به مهم بودن این فوز واقف شود. از همراه شدن فوز با صفت عظیم، دوام، عزت و شوکت را می‌توان برداشت کرد و فوز را رستگاری پایدار و همیشگی دانست. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸، ۶۹۴) خلود در بهشت و رهایی از عذاب از مصادیق فوز است.^۱ این مهم از رهگذر ایمان، تقوا، عمل صالح و اخلاص در عمل (طیب، ۱۳۶۹: ۱۱، ۱۵۷) دست‌یافتنی است. گفتنی است در نگاه قرآن، جهاد در راه خدا با مال و جان نشانه روشنی از ایمان حقیقی به خداوند و رسول قلمداد شده است.^۲ (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹، ۲۵۹) به دیگر سخن، ایمانی انسان را به رستگاری می‌رساند که آدمی را به جهاد فرا خواند و جهاد به سرافرازی مسلمانان بینجامد.^۳ این ایمان، زمانی مفید و مایه رستگاری است که تا پایان عمر آدمی حفظ شود و در گذر مراحل و فتنه‌های زمان از بین نرود؛ زیرا تحقق وعده الهی (رستگار شدن) منوط به پایداری ایمان است.^۴ (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹، ۳۶۱) به باور قتاده افرادی به این فوز دست می‌یابند که مؤمن باشند. به گفته عبدالله ابن مسعود به واسطه میزان اعمال این افراد، در روز قیامت به آنان نوری عنایت می‌شود که آنان را به سوی بهشت هدایت می‌کند.^۵ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹، ۳۵۴) تنها مصداق فوز کبیر در کلام الهی بهشت است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ﴾ (بروج/۱۱) همراه شدن صفت کبیر با فوز بیانگر بزرگ‌تر بودن نعمت‌های عاملان به خیر نسبت به غیر عاملان است. از این روی آنان از احترام، بزرگداشت و کرامت‌های بیشتری برخوردارند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰، ۷۱۰)

نگارنده تفسیر اطیب البیان «عملوا الصالحات» را شامل تمامی اعمال صالح نمی‌داند؛ زیرا نمی‌توان تمام اعمال صالح را انجام داد. به عقیده او مفهوم آیه، به دست آوردن

۱. ﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّعَابِنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَتَعْمَلْ صَالِحاً يُكْفَرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ (تغابن/۹)
۲. ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِينٍ ظَلِيلَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ (صف/۱۱ و ۱۲)
۳. ﴿لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزاً عَظِيماً﴾؛ (فتح/۵)
۴. ﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ (توبه/۸۹)
۵. ﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ (حدید/۱۲)

اعمال صالح با درجات متفاوت است و نکته مهم آن است که در انجام واجبات کوتاهی صورت نگیرد. (طیب، ۱۳۶۹: ۴، ۶۶ و ۶۷)

نمونه دیگری از همراهی فوز با صفت عظیم چنین است: ﴿يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً﴾ (نساء/۷۳) با در نظر گرفتن معنای تمنی در فوز، مصداق فوز عظیم را بر اساس مراتب ایمان می‌توان به دو صورت معنا کرد:

۱- کسانی که از ایمان بهره کمتری دارند از حضور در جنگ هدفی جز برگشت از آن و کسب غنائم ندارند که این حاکی از امید به پیروزی کوچک است و این سطح از پیروزی برای آنان فوز عظیم دانسته می‌شود.

۲- افرادی که نفس خود را با انوار ایمان منور کرده‌اند و مؤمن حقیقی شده‌اند، برای آنان دستیابی به غنیمت و برگشت از جنگ را ناپسند نمی‌داند، اما شایسته‌تر آن است که این امر را از خداوند امید داشته باشند. مؤمن آرزوی وقوع بلا نمی‌کند، بلکه شایسته است که مؤمن خیر را از خداوند طلب کند. (سید قطب، ۱۴۲۵: ۲، ۷۰۶)

هر فوزی که در قرآن آمده است، بیانگر معنای مثبت آن نیست، بلکه ممکن است این فوز، فوزی وهمی و خیالی باشد که البته این فوز خیالی را انسان‌ها تصور کرده و این تصور از سوی انسان‌های با مرتبه ایمانی پایین‌تر است. پس عبارت ﴿فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً﴾ سخن خداوند از منطبق آن افراد است و بدین گونه از افکار کسانی که از این جهاد عقب مانده‌اند، پرده بر می‌دارد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱، ۵۳۳)

عامل دیگر حصول فوز و پیروزی، همراهی تقوا با قول سدید است.^۱ قول سدید سخنی است که از شائبه دروغ و بیهوده‌گویی خالص و پاک و ظاهر و باطن آن یکی باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۶، ۳۴۷)

۵-۳. معامله با خدا

قرآن از معامله‌ای میان بندگان و خداوند سخن به میان می‌آورد که در آن، مؤمنان فروشنده‌اند و خداوند خریدار، کالای مورد معامله، جان و مال مؤمنان در میدان جهاد و بهای آن بهشت است. سند این معامله نیز در کتابهای آسمانی مکتوب است. (سعدی،

۱۴۰۸: ۱، ۴۰۱) خداوند از چنین خرید و فروشی با عنوان فوز عظیم یاد می‌کند: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيمًا﴾: (احزاب / ۷۰ و ۷۱)

فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿توبه/۱۱۱﴾ «اشتری» به معنای جنسی است که در خرید و فروش در برابر پرداخت قیمت به دست می‌آید و این آیه به وعده قطعی بهشت اشاره دارد که شامل حال مجاهدان در راه خدا است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹، ۳۵۹) در تفسیر اطیب البیان، فعل «اشتری» به معنای قبول بیع و در مفهوم خریدن به کار رفته است. نظر به اینکه خداوند مالک جان و مال آدمی است، اشتری در این آیه به مفهوم مجازی آن قلمداد شده است. (طیب، ۱۳۶۹: ۶، ۳۱۷) طبرسی از زجاج نقل می‌کند که عبارت «فی التوراه و الانجیل و القرآن» در این آیه نشان می‌دهد که خداوند هر ملتی را به همراه دستور به جهاد، وعده بهشت داده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵، ۱۱۴)

۴-۵- رضوان الهی

آخرین مصداق فوز در آیات قرآن، رضوان الهی است که کمال و حد‌اعلای فوز به شمار می‌آید. رضوان به معنای خشنودی زیاد است و بزرگترین رضایت، خشنودی خدای تعالی است. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه/۷۲) به گفته راغب، واژه رضوان در قرآن به هر چه که از خداست، اختصاص یافته است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۲، ۷۹) رسیدن به بهشت، غایت مؤمنان است و همراه شدن جنات با صفت عدن به معنای بهشت‌های ماندنی و نشان‌دهنده جاودانگی و جایگاه والای آن است. در این آیه رضایت و خشنودی خداوند از جنات عدن نیز بالاتر قلمداد شده است. با توجه به عبارت «ذلک هو الفوز العظیم»، که دلالت بر حصر دارد، رضوان، حقیقت هر فوز و رستگاری بزرگی است؛ حتی رسیدن به بهشت جاودانه نیز دارای حقیقتی است که از آن با عبارت رضوان یاد شده است؛ زیرا اگر در بهشت رضای خدا نباشد، آن بهشت عذاب خواهد بود نه نعمت الهی. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹، ۳۳۹) پیرامون این بهشت باغستان‌ها و جویبارهایی است که رضایت الهی از آنها برتر است بلکه حتی اندکی هم از رضایت خداوند بر همه آن باغستان‌ها فزونی دارد؛ چرا که رضایت خداوند سبب هر نوع رستگاری و سعادت است. کسانی که رضایت خداوند به آنها می‌رسد، کرامت الهی را که بزرگ‌ترین پاداش‌ها است به دست آورده‌اند. هر گاه بنده‌ای بداند که صاحبش از او راضی است، در نظر او از هر نعمتی بالاتر است

و با این رضایت است که نفس او آرام می‌گیرد. (زمحشری، ۱۴۰۷: ۲، ۲۹۰)

رضایت خداوند از فائزان ثواب الهی را به دنبال دارد که بالاترین پاداش است. فائزان در سایه رضایت الهی به آرامش می‌رسند. چنین احساس آرامشی سبب می‌شود که آنها به قضای الهی خوش گمان باشند و نعمت‌های او را شکر گویند و در سختی‌ها صبر پیشه کنند. شان این گروه آنقدر رفیع است که به رضایت مبادرت می‌ورزند. نشان این رضایت بهشت است و آن حالت و جایگاه و فضایی است که واژگان را یارای آن نیست که آن را توصیف کنند، ولی از طریق متن قرآن با آن روح آگاه و قلب باز و حس پایدار آن حالت درک می‌شود و این حالت همیشگی با پروردگار است. (توبه/۱۰۰؛ سید قطب، ۱۴۲۵: ۳، ۱۷۰۵)

در آیه دیگر نیز خداوند رضایت دوطرفه خود از بندگان و رضایت بندگان از نعمتها و پاداش اخروی را نمونه‌ای دیگر از فوز بر می‌شمارد: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه/۱۰۰)

فائزان در زندگی‌شان پروردگار را اطاعت می‌کنند و بدین صورت رضایت پروردگار را به دست می‌آورند. آنان با این احساس همیشگی زندگی می‌کنند که به قضا و تدبیر خداوند مطمئن هستند، در حال سختی و در حال آسایش راضی هستند، در حال گرفتاری و آرامش فراغ بال دارند. ایشان به خاطر موقعیت ایمانی‌شان به اراده الهی اطمینان و امید دارند و با همین نگاه در آخرت نیز از خداوند به دلیل اعطای پاداش اعمال شایسته‌شان راضی هستند. این همان رستگاری بزرگی است که بزرگ‌تر از آن چیزی نیست. به راستی کدامین پیروزی بزرگ‌تر از این که انسان در دنیا و آخرت کاملاً با خداوند پیوند خورده باشد؛ پیوندی که فضایش با روحانیت فیاض الهی و محبت میان خالق و مخلوق ایجاد شده است، محبتی که بیانگر سعادت واقعی و فوز راستین در دنیا و آخرت است. (مائده/۱۱۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۸، ۴۰۹)

۶- تحلیل فوز در پرتو کلمات هم‌نشین

از رهگذر بررسی کلمات هم‌نشین با واژه فوز، می‌توان فهمید که شاخصه مهم رسیدن به رستگاری، ایمان و عمل صالح است. (جائیه/۳۰؛ تغابن/۹؛ بروج/۱۱) از آنجا که در پی ایمان، اطاعت محقق می‌شود، اطاعت از خدا و رسول اکرم در این هم‌نشینی قرار دارد. مؤمنان با اطاعت از خدا (نور/۵۲) و رسول و تقوای الهی، بشارت‌های خداوند را

حق می‌شمارند، (یونس/۹) حدود الهی را رعایت می‌کنند و با اعمال صالح (جائیه/۳۰؛ تعابن/۹؛ بروج/۱۱) مسیر دستیابی به آن را هموار می‌سازند. نظر به اینکه ثبوت و حفظ ایمان لازمه رسیدن به این هدف است، تقوا (نور/۵۲؛ زمر/۶۱) و صبر (مؤمنون/۱۱۱) در این مسیر نقشی پررنگ دارد. هم‌نشینی واژه «فوز» با این کلمات تداعی‌گر رهایی از عذاب (انعام/۱۶؛ صافات/۵۹) و دستیابی به مطلوب و نمایانگر فضل و رحمت خداوند است (انعام/۱۶؛ غافر/۹؛ جائیه/۳۰) از این رو گفته‌اند: «الفوز ظفر بالخیر والنجاه من الشر.» (فراهیدی، بی تا: ۷، ۳۸۹) «فوز» به مفهوم نجات و رستگاری، در آیات قرآن کریم بشارت و وعده حق خداوند است (توبه/۱۱۱؛ یونس/۶۴) بر این اساس، اگر آدمی در حریم حدود الهی (نساء/۱۳) گام بردارد، رضایت خداوند را کسب می‌کند (مائده/۱۱۹؛ توبه/۷۲ و ۱۰۰) نظر به والایی این جایگاه، رحمت (انعام/۱۶؛ غافر/۹؛ جائیه/۳۰) و عنایت الهی در این مسیر نقشی مهم و اثرگذار دارد. ناگفته پیداست که به دلیل تغییرناپذیر بودن حدود الهی (یونس/۶۴) دستیابی شخص فائز به سعادت و کمال با رعایت اصولی خاص، امری حتمی و مسلم است. این اصول عبارت‌اند از: ایمان قلبی پایدار به منبع نور (جائیه/۳۰؛ بروج/۱۱) و اطاعت برخاسته از ایمان و عقیده (توبه/۱۰۰). از آنجا که دستیابی به فوز از رهگذر عمل به دست می‌آید و عمل عبادی باید با تقوا و پرواداری تقویت شود، (نور/۵۲) وجود این دو اصل برای تحقق اهداف ضروری است. افزون بر این، صبر در برابر مشکلات مسیر رستگاری لازمه موفقیت (مؤمنون/۱۱۱) و عامل تقویت ایمان است. بدیهی است که هر چه ایمان دورنی‌تر شود، سطح اهداف بالا می‌رود و تلاش، که سبب ارزشمندی زندگی است، پررنگ‌تر می‌شود. انسان در مسیر دستیابی به فوز با پایبندی به اصول و شرایط مذکور، مورد رحمت و مغفرت الهی قرار می‌گیرد و خداوند اعمالش را اصلاح (احزاب/۷۱) و او را از جهنم دور (دخان/۵۶) و به بهشت وارد می‌کند (آل عمران/۱۸۵؛ صف/۱۲) انسان فائز با رسیدن به مقام دریافت رحمت الهی، از بدی‌ها به دور (زمر/۶۱) و در خوشی‌ها متنعّم می‌شود. در تحلیل صفات به کار رفته با فوز می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱- صفت عظیم کمیت‌بردار است و دلالت بر فزونی یا عدم فزونی دارد. ممکن است خداوند به صفت عظیم متصوف گردد، اما به کثیر (فراوانی) متصوف نمی‌شود. هر وجودی ممکن است به لحاظ جنس یا ماده‌ای که دارد، عظیم و بزرگ و چند برابر دیگران باشد. احتمالاً از این منظر که یکی از مصادیق رحمت، بهشت است، می‌توان

رحمت الهی را فوز عظیم دانست. (غافر/۹) بهشت را که یکی دیگر از مصادیق واژه فوز است، می‌توان از دو زاویه نگریست: ابتدا از هم‌نشینی صفت کبیر با فوز می‌توان بیان داشت که بهشت از منظر محسوس بودن و از جنبه‌ای که به نسبت دیگر پاداش‌ها برتری دارد و اعلیٰ علیین است و همچنین قابل احساس است و صرفاً مقام نیست بلکه نعمت نیز هست، کبیر است. (بروج/۱۱) و از منظر مقام و شان، که فوز عظیم است؛ فائزان در جایگاهی هستند که دیگران بدان دست نمی‌یابند؛ از نگاهی دیگر، چون تمامی نیکان و ابرار در آن مکان (بهشت) قرار می‌گیرند، با صفت عظیم ستوده شده است. (نساء/۱۳؛ توبه/۸۹؛ دخان/۵۷؛ حدید/۱۲) رضوان الهی، مقام قرب و بالاترین مقام الهی است که جلالت و شأنیت را می‌رساند و با صفت «عظیم» به کار رفته است. (مائده/۱۱۹؛ توبه/۷۲ و ۱۰۰)

۲- بعضی از زبان‌شناسان در تفاوت میان دو صفت جلیل و کبیر بر این باورند که جلیل بر عظمت شأن دلالت می‌کند؛ یعنی جنبه‌ای از عظمت خداوند که به شان ربوبیت الهی ارتباط پیدا می‌کند، با صفت جلالت توصیف می‌شود؛ بدین معنا منزلت و جایگاه خداوند بالا است. از جهت این که خداوند شایسته ستایش است، صفت کبیر برای خداوند به کار می‌رود. با صفت کبیر، بزرگ‌منش بودن خداوند را ستایش می‌کنیم، اما بلندمرتبه‌گی خداوند را جلالت می‌دانیم و جلالت خداوند بدین خاطر است که هیچ‌کس بالاتر از آن در مقام و رتبه نیست. بنابراین عظیم بودن خداوند به دلیل مقام و شان اوست. (عسکری، ۱۳۶۳: ۱۷۷ و ۱۷۸)

۳- صفت مبین از ریشه «بان، مبین» به معنای دور از شائبه و شک و تردید است. (مجلسی، بی‌تا: ۶۴: ۴۹) مصداق فوز مبین، چنان که بیان شد، رحمت الهی است. (انعام/۱۶؛ جائیه/۳۰) از همراهی فوز با مبین می‌توان فهمید که فوز مبین نتیجه‌ای قابل رویت، جاری و آشکار برای همه است؛ رحمتی که در آن هیچ‌گونه شائبه‌ای راه نمی‌یابد و حاصلی حتمی برای فائز است.

نتیجه گیری

فرجام سخن آنکه از نگاه قرآن رستگاری یعنی انسان به نتیجه‌ای که مورد عنایت شارع بوده و دین برای آن به مردم نازل شده است، برسد؛ به دیگر سخن، دین راه رسیدن آدمی به نتیجه مطلوب بهشتی شدن را فراهم می‌سازد. حضرت امیر (علیه السلام) می‌فرماید: «انه لیس لانفسکم ثمن الا الجنة فلا تبیعوها الا بها» (شریف رضی، ۱۳۷۸: حکمت ۴۵۶) بهای وجودی شما بهشت است، آن را به کمتر از بهشت نفروشید. فوز، کمال و غایت بندگان است و بیانگر آن است که نه تنها بهشت، بلکه رضوان الهی و قرب الهی را در بر می‌گیرد.

کسب فوز، بیانگر ایمان فائز و لطف و عنایت خداوند است و در پرتو فوز الهی زندگی آدمی معنا و ارزش می‌یابد.

فوز روندی تکاملی دارد و کمالش تدریجی الحصول است. برای دستیابی به این کامیابی، ایمان را - که نخستین بذر عبودیت است - می‌بایست در مزرعه وجود خود بکاریم و آن را همواره با مراقبت از نفس و انجام عمل صالح و اطاعت محض از خدا و رسول او در جهت تکامل بی‌پروانیم. از این رهگذر می‌توان تا پایان عمر مؤمن حقیقی باقی ماند. بدین ترتیب وجود خود را لایق دریافت لطف و رحمت الهی می‌کنیم.

تمامی عنایات پروردگار که به نحوی پاسخ به خویشتن‌داری انسان‌ها است، رویکرد آخرت‌شناسانه دارد و نگاه قرآن به فوز نیز حول همین محور می‌چرخد. از این رو، خوشی صرف در دنیا را نمی‌توان رستگاری دانست. رستگاری حقیقی آن است که در آخرت نصیب فائز می‌شود؛ زیرا جاودان و فناپذیر است. رضوان و خوشنودی پروردگار عالی‌ترین درجه و نهایت رستگاری است.

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
- ۲- ابن‌درید، ابوبکر محمد بن حسن، بی‌تا: جمهره اللغة، بی‌جا: بی‌نا.
- ۳- ابن‌فارس، احمد بن فارس بن زکریا، بی‌تا: معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: دار الکتب العلمیه.
- ۴- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، بی‌تا: لسان العرب، بیروت: دارصادر، الطبعة الأولى.
- ۵- ازهری، ابومنصور محمد بن احمد، بی‌تا: تهذیب اللغة، بی‌جا، بی‌نا.

- ۶- پارچه‌باف دولتی، کریم و فرشته معتمد لنگرودی، ۱۳۹۴: «شاخصه‌های وصول به فلاح در قرآن کریم»، مطالعات قرآنی، شماره ۲۱، ص ۲۷-۴۲.
- ۷- تفلیسی، حبیب بن ابراهیم، ۱۳۷۱: وجوه قرآن، تهران: دانشگاه تهران.
- ۸- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴: الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، الطبعة الثالثة.
- ۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲: مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بی‌جا: دار الشامیة.
- ۱۰- زبیدی، محمد بن محمد بن عبدالرزاق، بی‌تا: تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: مجموعة من المحققین، بی‌جا: دار الهدایه.
- ۱۱- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷: الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، تحقیق: مصطفی حسین احمد، بیروت: دار الکتب العربیة.
- ۱۲- زینلی، روح‌اله، ۱۳۸۸: «راه‌هایی؛ پژوهشی درباره مفهوم رستگاری و عوامل آن در قرآن و روایات»، مشکوه، شماره ۱۰۳، ص ۶۳-۷۸.
- ۱۳- سعدی، عبد الرحمن، ۱۴۰۸: تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر الکلام المنان، بیروت: مکتبة النهضة العربیة.
- ۱۴- سیدقطب، ۱۴۲۵: فی ضلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
- ۱۵- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، ۱۴۲۱: الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق: زمزلی، فواز احمد، بیروت: دار الکتب العربی.
- ۱۶- شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۳۷۸: نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۷- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۰: المیزان، بیروت: اعلمی.
- ۱۸- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲: مجمع البیان، تصحیح: فضل‌الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو.
- ۱۹- طریحی، فخر الدین بن محمد، ۱۳۷۵: مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
- ۲۰- طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا: التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبیب عاملی، بیروت: احیاء الثمرات العربیة.
- ۲۱- طیب، عبد الحسین، ۱۳۶۹: اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
- ۲۲- عسکری، ابوهلال، ۱۳۶۳: الفروق فی اللغة، ترجمه و تصحیح: دکتر محمد علوی مقدم و دکتر ابراهیم الدسوقی شتا، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۲۳- فراهیدی، خلیل بن احمد، بی‌تا: العین، بی‌جا: بی‌نا.

- ۲۴- فتح‌الهی، ابراهیم و شهروز ذوالفقاری، ۱۳۸۹: مفردات قرآن، تهران: اشجع.
- ۲۵- فضل‌الله، محمدحسین، ۱۴۱۹: من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک.
- ۲۶- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بی‌تا: القاموس المحيط. بی‌جا: بی‌نا.
- ۲۷- قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷۱: قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ۲۸- لسانی فشارکی، محمدعلی و مصطفی زرنگار، ۱۳۸۹: «بررسی معناشناسانه فوز و فلاح در قرآن کریم»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، ص ۷۴-۵۱.
- ۲۹- مجلسی، محمدباقر، بی‌تا: بحار الانوار، تحقیق: عبدالزهراء علوی و محمدباقر محمودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۳۰- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰: التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۱- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱: تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی